

هاهاها هاهاها هاهاها (۴)

یک لحظه کاش می شد	آینه ی تو باشم
در آشنای بغض	دیرینه ی تو باشم
تو با علی و اینجا	گوهر نمی شناسم
بگذار من فقط من	گنجینه ی تو باشم
(سیمرغ و قله ی قاف	افسانه ای قدیمی است
مثل کبوتر ای کاش	بر چینه ی تو باشم (۲)
تو راز سر به مهری	من راز اشتیاقم
ای کاش تا همیشه	در سینه ی تو باشم
تو راز سر به مهری	من راز اشتیاقم
ای کاش تا همیشه	(در سینه ی تو باشم) (۲)
(ایام هفته ی من	تکرار روز مرگی است
تا کی در انتظار	آدینه ی تو باشم) (۲)
تو راز سر به مهری	من راز اشتیاقم
ای کاش تا همیشه	در سینه ی تو باشم
تو راز سر به مهری	من راز اشتیاقم
ای کاش تا همیشه	(در سینه ی تو باشم) (۲)
هاهاها	هاهاها
هاهاها	هاهاهاها